

موضع‌گیری‌های اتحادیه اروپا در مورد پناهندگان
احمد سزاوار^۱ - جهانگیر باقری^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

چکیده:

بعد از پایان جنگ جهانی بیشترین توجه به ارتقاء موازین حقوق بشر اعمال گردید به این ترتیب که با تصویب منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون وضعیت پناهندگان توجه ویژه‌ای به موازین انسانی و حقوق بشر لحاظ شد. نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد آن است که بسیاری از کشورهای اروپا هنوز هم خط مشی مشخص راجع به پناهندگی و پناهجویان ندارد و به نظر نمی‌رسد که قصد داشته باشند از قواعد ثابتی پیروی نمایند از جمله آنها اتحادیه اروپاست که بسته به شرایط و وضعیت روابط بین‌الملل و اقتصاد جهانی به پذیرش یا اخراج پناهجویان مبادرت می‌ورزد یافته‌های تحقیق ثابت می‌کند که سیاست اروپا در قبال پناهجویان بصورت انبساطی و انقباضی به پیش می‌رود. به عبارت دیگر زمانی که وضعیت اقتصادی اروپا در حال بهبود و رونق است از سیاست درهای باز استفاده می‌نماید و زمانی که وضعیت اقتصادی اروپا در حال افول می‌باشد از سیاست درهای بسته یا پنجه آهنین استفاده می‌نماید. در عین حال اتحادیه اروپا باید به این نکته توجه کند که باید به موازین انسانی توجه و اولویت بیشتری داده شود.

واژگان کلیدی: پناهندگی، سیاستگذاری، اتحادیه اروپا، حقوق بشر، الزامات حقوق بین‌الملل

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان شرقی، ایران
Sezavarahmad@gmail.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان شرقی، ایران: نویسنده مسئول
Jahangirbagheri@yahoo.com

مقدمه:

بعد از پایان جنگ جهانی دوم تصور بشریت بر این نتیجه استوار شد که دیگر جهان شاهد هیچ محاصره‌ای در هیچ نقطه از این کره خاکی نخواهد بود اما درگیری‌های ۷۳ سال گذشته در اکثر قاره‌های جهان خلاف این ادعا را ثابت کرد و نشان داد که برخی از کشورها و گروه‌های تندرو، رادیکال و افراطی این ظرفیت و توانایی را دارند که با به راه انداختن جنگ و خشونت موجب پناهندگی و آوارگی ملل مختلف شوند و فقر و ناامیدی را در دنیا گسترش دهند. بدین ترتیب در کنار شدت درگیری‌ها و بیم از دست دادن حیات، خشکسالی، بیکاری و اقتصاد ویران برخی از کشورها، همین طور درگیری‌های قومی و قبیله‌ای بر تعداد پناهندگان و سیاست‌های سخت گیرانه برخی از کشورهای مقصد به نظر می‌رسد که در آینده نه چندان دور باید از واژه فاجعه به جای بحران در خصوص پناهندگان استفاده کرد. پناهندگان اشخاصی هستند که از حقوق نسل اول، دوم و سوم خود که شامل حقوقی مدنی- سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و حقوق جمعی و توسعه پایدار محروم شده‌اند و امیدى به استیفای آن در کوتاه مدت ندارند. سرعت رشد آمارهای مربوط به پناهندگان از میزان کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی بسیار بالاتر است.

این فقط شامل اروپا یا آفریقا نیست. درگیری‌های اخیر خاورمیانه ثابت کرد که نمی‌توان با موضوع پناهندگی برای همیشه خداحافظی کرد و درد و رنج پناهندگان پایانی ندارد. از سوی دیگر الزامات کنوانسیون‌های حقوق بشری این اجازه را نمی‌دهد که کشورهای جهانی از کنار این موضوع با بی‌توجهی رد شوند و هم‌نوعان خود را گرسنه و بی‌خانمان رها کنند. در عین حال بازگشت آنها به سرزمین‌های قبلی خود زمینه مشارکت و نظارت سازمان‌های بین‌المللی نظیر کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان را می‌طلبد در عین حال برای کشور-های متمول نیز این دغدغه وجود دارد که با اسکان آنها بدون ملاحظه تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی جوامع خود را بی‌ثبات نمایند و درگیری‌های نژادی بالا بگیرد. بدین ترتیب آن احترامی را که باید برای حقوق بشر قائل شوند را نمی‌توانند برآورده کنند یکی از این مثالهای گویا قاره سبز اروپاست که هم اکنون در پشت مرزهای خود با حجم عظیمی از آوارگان و پناهجویان مواجه است که با سیاست‌گذاری خود را سر در گم کرده است و نمی‌داند که چه سیاستی را در قبال آنها باید پیگیری باشند.

اروپا هنوز از مشکلات مربوط به رکود اقتصادی، سال‌های اخیر رهایی نیافته و هنوز هم در بسیاری از شهرهای اروپا می‌توان شاهد اعتصاب و بیکاری و راهپیمایی بیکاران بود و و راه حل‌های بکار گرفته شده برای زمانی کوتاه مدت تاثیرگذار است و در این میان موضوع پناهندگان نیز عرصه را بر اروپائیان تنگ کرده است و به نظر می‌رسد که اروپا قصد ندارد خود را در چهارچوب یک راه حل دائم نگه دارد بدین ترتیب با اتخاذ سیاست‌های درهای باز یا بسته که از آن با نام سیاست‌های انقباضی یا انبساطی یاد می‌کند به استقبال حل مشکلات پناه-جویان دردمند و رنجور و عصبانی می‌شتابد و به کسی قول نداده که همه آنها را پذیرا باشد و اسکان دهد. این تحقیق ثابت خواهد کرد که قاره اروپا خود نیز کاملاً سردرگم است و فشار گروه‌های رادیکال و احزاب افراطی مانع از اتخاذ سیاستی انسان دوستانه در قبال این پناهجویان می‌گردد و اروپا به کمترین‌ها قناعت می‌کند.

سوال تحقیق

اتحادیه اروپا در قبال پناهندگان خارجی از چه موضع‌گیری‌هایی پیروی می‌کند و سیاست‌های حاکم بر اتحادیه اروپا در زمینه حقوق پناهندگان تابع چه اصولی است؟

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد اتحاد اروپا در مقابله با سیل پناهندگان خارجی از سیاست درهای باز با رعایت احتیاط کامل و پرهیز از هر نوع پذیرش گروه‌های تروریستی و فشار پیروی می‌کند.

تعریف پناهنده

برای شناخت واژه پناهنده و تفکیک آن از آواره، پناهجو، مهاجر قانونی و غیرقانونی باید از مقررات حقوق بین‌الملل بهره گرفت. زیرا الگویی استاندارد برای شناخت شخص پناهنده و تاسیس حقوقی پناهندگیست. مطابق ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ در خصوص وضعیت پناهندگان، پناهنده به شخص زیر اطلاق می‌شود:

الف- در کنوانسیون حاضر، واژه پناهنده به هر شخصی اطلاق می‌شود که:

۱. وفق موافقتنامه‌های ۱۲ مه ۱۹۶۲، ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸، یا کنوانسیون ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸، پروتکل ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹، یا اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان، به عنوان «پناهنده» شناخته شده باشد.

تصمیمات اتخاذی از سوی سازمان بین‌المللی پناهندگان در طول فعالیتش مانع از آن

نخواهد بود که وضعیت پناهندگی به اشخاص اعطاء شود که شرایط مندرج در بند دوم این بخش را دارا هستند؛

۲. کسی که در نتیجه حوادثی که پیش از اول ژانویه ۱۹۵۱ روی داده و به علت ترس موجه از اموری که به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا داشتن عقیده سیاسی خاص مورد آزار قرار گیرد، در خارج از کشور محل خود به سر می‌برد و به دلیل چنین ترسی قادر یا مایل به بازگشت و تحت شمول حمایت آن کشور نیست، یا در صورتی که بی‌تابیت باشد و در نتیجه حوادث مذکور در خارج از کشور محل سکونت خود به سر می‌برد قادر یا، به علت این ترس تمایلی به بازگشت به آن کشور ندارد.

در مورد شخصی که بیش از یک تابعیت دارد، اصطلاح «کشور محل تابعیت» به معنای هر یک از کشورهایی است که فرد تبعه آنهاست. در صورتی که شخص بدون دلیل معتبر و بر اساس ترس موجه، خود را ذیل حمایت یکی از کشورهایی که تبعه آن است، قرار نداده باشد، وی را از حمایت کشور متبوع خود نمی‌توان محروم دانست.

پ-:

۱. در این کنوانسیون عبارت "حوادثی که در قبل از ژانویه ۱۹۵۱ رخ داده است" مندرج در بخش نخست ماده یک، در معنای ذیل است:

الف) حوادثی که قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ در اروپا رخ داده است، یا

ب) حوادثی که قبل از ژانویه ۱۹۵۱ در اروپا یا در جایی دیگر رخ داده است.

هر یک از دولت‌های متعاقد باید در زمان امضاء یا تصویب یا الحاق، اعلامیه‌ای صادر و در آن بیان نماید که به تعهدات خود نسبت به کنوانسیون پیش روی در ارتباط با عبارت مذکور کدام یک از این معانی را به کار خواهد بست.

۲. هر کشوری که شق نخست را پذیرفته است در هر زمانی می‌تواند با ارسال یادداشتی خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، تعهدات خود را نسبت به شق دوم نیز تعمیم دهد.

ج- کنوانسیون حاضر در موارد ذیل در ارتباط با اشخاصی که ذیل بند الف قرار می‌گیرند، به موقع اجرا گذارده نخواهد شد.

۱. شخصی که به صورت داوطلبانه خود را برای بار دیگر تحت حمایت کشور متبوع خویش قرار دهد، یا

۲. در صورتی که تابعیت خود را از دست داده باشد و مجدداً آن را کسب نماید، یا:

- تابعیت جدیدی را به دست آورده و از حمایت کشور متبوع جدید بهره مند باشد،
- به صورت داوطلبانه به کشوری که سابق بر این به علت ترس از تعقیب و آزار آن را ترک کرده یا در خارج از آن به سر می‌برده بازگردد،
- به علت از بین رفتن اوضاع و احوالی که باعث شده بود وی به عنوان پناهنده شناخته شود دیگر نتواند از قبول حمایت دولت متبوع خود امتناع نماید.

۳. اگر اوضاع و احوالی که باعث شده است یک شخص بدون تابعیت به عنوان پناهنده شناخته شود از بین برود، آن شخص می‌تواند به کشوری که در آنجا سکونت دائم داشته مراجعه نماید.

"بدیهی است مقررات این بند شامل پناهنده‌ای که مشمول مقررات بند یک قسمت «الف» ماده حاضر است و می‌تواند برای امتناع از بازگشت به کشور محل سکونت عادی قبلی خود دلایل قاطع دال بر شکنجه قبلی اقامه نماید، نخواهد گردید."

د- این کنوانسیون افرادی را که در حال حاضر از موسسات و آژانس‌های سازمان ملل متحد به غیر از کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان حمایت شده یا از این ارگان‌ها و موسسات کمک دریافت می‌کنند، در بر نمی‌گیرد. در صورتی که حمایت یا کمک مذکور به علتی قطع شود و سرنوشت این اشخاص به موجب قطعنامه‌های مربوط به مجمع عمومی ملل متحد تعیین نگردد اشخاص مذکور به طور کامل این حق را خواهند داشت که از مقررات این کنوانسیون بهره‌مند گردند.

و- مقررات این کنوانسیون در مورد شخصی که از سوی مقامات صلاحیت‌دار کشور محل سکونت خود، حائز حقوق و تکالیف ناشی از تحصیل تابعیت آن کشور شناخته شده باشد، مجری نخواهد بود.

ه- مفاد این کنوانسیون در ارتباط با اشخاصی که علیه آنان دلایل محکمی در رابطه با موارد ذیل موجود داشته باشد، مجری نخواهد بود:

۱. مرتکب جنایت علیه صلح، جرم جنگی، یا جرم علیه بشریت شده باشد. (همان طوری که در اسناد بین‌المللی مربوطه به منظور پیش‌بینی مقررات مربوط به این جرایم تنظیم گردیده است).

۲. پیش از آنکه در کشور پناهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شده باشد، در خارج از آن کشور مرتکب جرم غیرسیاسی موثری شده باشد.

۳. مرتکب اعمالی که در تضاد با اهداف و اصول ملل متحد است شده باشد». (شهبازی و چهل امیرانی، ۱۳۹۵: ۲۰۷ الی ۲۰۴)

البته مهاجرت را نباید با پناهندگی یکسان شناخت. مهاجرت پدیده‌ای است که به موجب آن شخصی داوطلبانه از کشور خود به کشور دیگری می‌رود با مقاصد مختلف. اینجا مسأله مهم تعریف اجبار و سفر داوطلبانه است. موافقت‌نامه‌های بین‌المللی موجود حکایت از این دارد که بسیاری از مهاجران در سرزمین‌های جدید بعد از یک سال مقیم دائمی می‌شوند، بر خلاف پناهندگان که باید مدت‌های زیادی بلا تکلیف بمانند. البته اصطلاح مهاجران گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود مثل، بیگانگان، دانشجویان، کارگران و مأمورین خارجی. بعضی از این اشخاص برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود به مهاجرت دست می‌زنند و این با پناهندگی فرق دارد و در دیگر موارد جابه‌جایی‌ها ترس و آزار عامل اساسی سفر اجباری یک پناهنده است. به طور معمول مهاجران به صورت داوطلبانه حرکت می‌کنند و تحت تأثیر اجبار نیستند. (Kommers, 1985. 308)

دلایل ایجاد پناهندگی

در یک گمانه‌زنی آسان می‌توان دلایل اولیه پناهندگی را به شرح زیر برشمرد:

- ۱- ترس و وحشت مستمر پناهندگان
- ۲- آزارهای مستمر در کشور محل اقامت
- ۳- تحت تعقیب قانونی بودن توسط قوای حاکمه
- ۴- تفاوت‌ها و تمایزات مذهبی پناهنده
- ۵- تمایزات سیاسی پناهنده با تفکر رسمی در کشور
- ۶- دلایل نژادی و خونی پناهنده
- ۷- تمایزات فرهنگی پناهنده در جوامع در حال اسکان و اقامت
- ۸- تمایزات سنتی و تاریخی پناهنده

همانند پناهندگی اشخاص آپاترید نیز که در طول تاریخ به دلایل خاصی در معرض خروج از کشور قرار داشته‌اند در طول قرن بیستم رویه مقرر بین کشورها این بود که اشخاص به دلیل کوچ کردن به کشور دیگر با به عنوان کیفر و یا به خاطر وجود مقررات ویژه و منحصر به فرد و همین طور اجازه قانون‌گذار در مسیر مهاجرت و پناهندگی گام برمی‌داشتند. همان‌طور که

بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که منجر به پیروزی کمونیست‌ها یا بلشویک‌ها علیه منشویک‌ها گردید. آن دسته از اتباع روسیه که به روس‌های سفید مشهور و ملقب بودند، از ترس تسویه حساب سیاسی به کشورهای خارجی پناهنده شدند و دولت کمونیستی لنین تابعیت آنها را لغو کرد و اعلام نمود که آنها را تبعه خود نمی‌شناسد، کشورهای که به پناهندگان اسکان داده بودند، به آنها پناهندگی (تابعیت درخواستی از سوی آنها) ندادند. چون از انتقام روسیه بیمناک بودند. همین‌طور مطابق قانون برخی از کشورها اشخاصی که مرتکب جرائم شدید همانند تروریسم، قاچاق سلاح‌های کشتار جمعی و نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت علیه صلح، یا کلاهبرداری‌های بین‌المللی یا فسادهای مالی کلان گردند، به عنوان مجازات و کیفر از آنها سلب تابعیت می‌شود و با توجه به اینکه انسان‌های بدنامی هستند و در تمام دنیا شناخته شده می‌باشند، هیچ کشوری جرأت نمی‌کند به آنها تابعیت یا پناهندگی اعطاء کند. همین‌طور در گذشته یک رویه بود که بعضی از افراد برای همیشه از کشور مهاجرت می‌کردند، با این نیت که دیگر به کشور محل تولد یا تابعیت خود هیچ وقت باز نگردند، در حالی که در کشور جدید نیز به صورت یک بیگانه اقامت دارند و تابعیت یا پناهندگی به دست نیاورده‌اند و آخر الامر می‌توان به وضعیت شخصی اشاره کرد که تابعیت خود را خود می‌تواند انتخاب نماید. نمونه آن اشخاص با تابعیت مضاعف می‌باشد که حق دارند یکی از دو تابعیت را بپذیرند. (نصیری، ۱۳۸۵: ۳۰ و ۲۹)

دقیقاً بعد از پایان جنگ جهانی دوم اشخاص بی‌خانمان و پناهنده، موضوع اصلی کمیسیون مقدماتی سازمان ملل در ماه مه ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو قرار گرفتند. دستور کار جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در دوازده فوریه ۱۹۴۶، وضع و تصویب قطعنامه‌ای بود که اصول اساسی کمک به پناهندگان را تعیین کند. قطعنامه بر اتخاذ راه‌حل‌های فوری برای حل مشکل پناهندگان اصرار داشت، هم از لحاظ قلمرو اجرایی و هم قلمرو آنها. مشکلی که وجود داشت این بود که هیچ یک از پناهندگان تصمیم نداشتند فوراً به کشورهایشان بازگردند. به همین جهت سازمان ملل از دیگر نهادهای بین‌المللی خواست که به سازمان در این زمینه کمک کند. بدین وسیله سازمان بین‌المللی پناهندگان با هدف کمک به پناهجویان تشکیل شد. (Jahn, 1983. 171)

بدین ترتیب علاوه از مصائب انسانی، به دلایل تغییرات اقلیمی که یکی از دلایل مهم افزایش تعداد پناهندگان از دهه ۱۹۹۰ به این سو شده است؛ برنامه جهانی غذا از سال ۱۹۹۲ با کمک

کمیساریای عالی ملل متحد، مسئول تهیه غذا برای این دسته از پناهندگان شده است. (موثقی، احمدپور قره‌درویش و زمانه قدیم، ۱۳۹۳: ۱۱۱)

در برخی از کشورهای آفریقائی، مطابق اساسنامه وحدت آفریقا از دیگر دلایل پناهندگی موارد زیر را می‌توان ذکر نمود که عبارتند از:

- ۱- اشغال خاک کشوری دیگر یا سرزمین آن
- ۲- تجاوز ارضی به همسایگان
- ۳- حمله کشورهای متجاوز به داخل کشور
- ۴- اختلال در نظم عمومی به صورتی که امکان اعاده آن به سرعت ممکن نباشد. (کازرونی، ۱۳۹۴: ۳۳)

دلیل پناهندگی هر چه باشد، جامعه بین‌المللی اجازه نمی‌دهد که کشوری با پناهندگان رفتار خشونت‌آمیزی داشته باشد. پناهنده هم یک انسان است، از کرامت انسانی برخوردار می‌باشد. اختلافات دولت‌ها در سیاست‌گذاری یا جلب منافع نمی‌تواند توجیه کننده رفتار غیرانسانی با پناهندگان یا پناهجویان یا آوارگان و مهاجران قانونی و غیرقانونی باشد.

کمیسیونر عالی ملل متحد برای پناهندگان مکلف است دو سیاست اساسی را تعقیب کند که شامل حمایت و بازگرداندن ارادی پناهندگان به کشور خود است و تابع تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد می‌باشند. در واقع کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان یک نهاد اجرایی است که راجع به وضعیت پناهندگان تصمیم می‌گیرد که می‌توان به قطعنامه ۱۶۷۳ مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۶۱ اشاره کرد. کمیساریا هر سال اجلاس سالانه دارد. برای ارائه گزارش به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد بر مبنای اساسنامه‌اش این گزارشات جداگانه در دستور کار هر دو نهاد قرار می‌گیرد و هم اکنون مقرر کمیساریا در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک است. کمیساریا توجه خاصی به وضعیت پناهندگان دارد. به ویژه اینکه قطعنامه‌های بسیاری در این مورد صادر شده است و به طور شبانه روزی وضعیت آنها را در دستور کار خود قرار داده است. (Grahl Madsen, 1983. 256, 257)

تعهدات دولت‌های اروپایی در قبال پناهندگان

به نظر می‌رسد که تعهدات دولت‌های اروپایی در قبال پناهندگان با تعهدات حقوق بین‌الملل

قراردادی چندان فرقی ندارد. اصولاً حقوق بین‌الملل پناهندگی اروپایی طبق ماده ۱۸ منشور حقوق اروپا مبتنی بر دو سند مهم بین‌المللی است که عبارتند از:

۱- کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به وضعیت پناهندگان

۲- پروتکل ۱۹۶۷ در مورد وضعیت پناهندگان

فلذا با مشاهده اجمالی هر دو سند بین‌المللی و اروپایی حقوق پناهندگان یک نوع توازن و تعادل در تعهدات دولت‌های اروپایی در قبال پناهندگان مشاهده می‌شود. اصولاً سیاست گذشته اتحادیه اروپا بر سه مبناء حرکت می‌کرد که عبارتند از:

۱- انکار پناهندگان در اروپا

۲- جلوگیری از ورود پناهندگان به کشورهای اروپایی

۳- بازدارندگی در جهت منع پناهندگی به اروپا

اصولاً در کشورهای اروپایی در خصوص پناهندگی سه شاخصه مهم در نظر است که عبارتند از: ۱- جواز مهاجرت ۲- مراقبت‌های امنیتی ۳- چالش‌های خارجی

به همین جهت سازمان‌های نظارتی برای کنترل مرزها تأسیس شده تا مراقبت از مرزهای اروپایی جدی‌تر از قبل پیگیری گردد، با این حال آرمان اساسی اتحادیه اروپا در خصوص پناهندگان در دو مورد زیر خلاصه می‌شود که عبارتند از:

۱- توجه به حقوق بشر و حقوق بین‌الملل پناهندگان

۲- ممنوعیت استرداد پناهندگان به کشورهای مبداء

کشورهای اروپایی این تعهد عام‌الشمول را پذیرفته‌اند که نمی‌توان نسبت به درخواست پناهندگی پناهجویان بی‌تفاوت ماند. زیرا اروپا آرمان‌های برجسته‌ای را در دامن خود پرورانده است، اما چالش اصلی اروپا یکنواخت‌سازی قواعد مربوط به پناهندگی در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. با این حال، اتحادیه اروپا در خصوص پناهندگان همیشه با سه مشکل مواجه بوده است که عبارتند از:

۱- ایجاد موانع جدی در زمینه مراجعه به کشورهای عضو اتحادیه اروپا

۲- وجود شک و تردید برای پناهندگان در خصوص عادلانه بودن تصمیمات راجع به قبول یا رد پناهندگی

۳- تشدید کنترل و نظارت‌های مرزی. (کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۷۶ تا ۱۷۳)

بدین ترتیب تهیه غذا در درجه اول یکی از تعهدات کشورها برای پناهندگان به چشم می‌خورد که می‌توان آن را از مازاد محصولات کشاورزی برخی از کشورهای موفق در زمینه تهیه غلات مطالبه کرد. (موسی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۰)

با این حال باید به این نکته توجه کرد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در برخورد با پناهندگان باید بر مبنای مقررات حقوقی منعطف حرکت نمایند، نه بر اساس دلسوزی صرف و اینکه شخص پناهنده را یک انسان تصور کنند و نه یک کالا. (نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹: ۵۳)

چرا که مقررات بین‌المللی و اسناد مصوب اتحادیه اروپا این تعهد را یادآور شده که کشورها مکلفند تضمینات مقدماتی رعایت حقوق بشر را ارج نهند و از تبعیض در این مورد اجتناب نمایند. زیرا که اساساً دارندگان حق پناهندگی مستحق حمایت خاص انسانی و حقوق بشری هستند. (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۷۶)

شاید بتوان این تفکر را پرورش داد که مبنای اجرای تعهدات دولت‌های اروپایی در زمینه حمایت از حقوق بشر رفتار متقابل یک کشور در مقابل یک کشور دیگر اروپایی باشد، که این رفتار ممکن است در سه زاویه مطرح گردد، به همان نحو که در مورد رعایت حقوق بیگانگان مطرح است و به شرح ذیل می‌توان آنها را برشمرد:

- ۱- رفتار متقابل سیاسی یا حاکمیتی
- ۲- رفتار متقابل عملی یا کارکردی
- ۳- رفتار متقابل قانونگذاری یا قانونمندی. (نصیری، ۱۳۸۵: ۹۳ و ۹۲)

این اصل در حقوق بین‌الملل جا افتاده است که بر اثر عملکرد قوای سه‌گانه نباید به هیچ انسانی لطمه وارد گردد و این تعهد برای کشورهای اروپایی نیز لازم‌الاجرا می‌باشد، بدین ترتیب کشورهای اروپایی متعهد می‌شوند که مراقب عملکرد نهادهای قضایی، اجرایی و قانونگذاری خود باشند تا صدمه‌ای به پناهندگان وارد نشود. حال پناهنده در هر مرحله‌ای که باشد چه قبل از پذیرش درخواست پناهندگی و چه بعد از بررسی یا پذیرش درخواست پناهندگی. (قاسمی شوب، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان تعهدات دولت‌های اروپایی را در قبال پناهندگان به شرح زیر برشمرد:

- ۱- تعهدات اولیه ۲- تعهدات ثانویه ۳- تعهدات ایجابی ۴- تعهدات سلبی ۵- تعهدات مبتنی بر اساسنامه اتحادیه اروپا ۶- تعهدات حقوق بشری

در تشریح هر یک از شش مورد مزبور باید اعلام کرد که منظور از تعهدات اولیه آن تعهداتی است که همه دولت‌ها باید در قبال نوع بشر رعایت کنند که شامل: حق حیات، حق ازدواج، حق اشتغال، حق بر امنیت، حق اسکان و حق جابه‌جایی است. حال متمتعین از این حق چه پناهنده باشد یا تبعه نباید تفاوتی قائل شد.

منظور از تعهدات ثانویه، آن دسته از تعهداتی است که دولت‌های اروپایی باید به موجب مصوبات خود از آنها پیروی کند که ناظر بر حقوق بین‌الملل پناهندگی اروپایی است. در عین حال تعهدات ایجابی شامل آن تعهداتی است که دولت‌ها باید نسبت به آن خود را مسئول بشناسند و پاسخگوی آن باشند، مانند جواب دادن به درخواست پناهندگی.

همین‌طور تعهدات سلبی، آن دسته از تعهداتی است که دولت‌های اروپایی باید از ارتکاب آن اجتناب بورزند، نظیر خشونت با پناهندگان یا آزار و اذیت جسمی آنها و یا استرداد و بازگرداندن پناهندگان به کشور مبدأ، از جنبه دیگر تعهدات مبتنی بر اساسنامه اتحادیه اروپا تماماً مبتنی بر آرمان‌های برجسته اروپایی است که مؤسسين اتحادیه اروپا آن را سرلوحه تشکیل این نهاد مقتدر قاره‌ای شناخته‌اند.

تعهدات حقوق بشری آن دسته از تعهدات است که فرامرزی عمل می‌کنند و از مرزهای بین‌المللی فراتر می‌روند تا به هر انسانی در هر نقطه‌ای از جهان کمک کند تا نیازهای اولیه وی برطرف شود و هیچ انسانی طعم تلخ ناامیدی و بی‌خانمانی، آوارگی، پناهندگی، گرسنگی و بدون مسکن را نچشد. این همان افق درخشان اتحادیه اروپاست که در عملکرد کشورهای عضو پذیرنده پناهندگان تجلی می‌یابد.

دیدگاه‌های انقباضی راجع به پناهندگان

علیرغم توجه به موازین حقوق بشر و وجود کرامت انسانی و این مطلب که حقوق بشر پناهندگان غیر قابل بحث می‌باشد. با این حال در بسیاری از مواقع نحوه برخورد با آن گاهی با رأفت و مهربانی و گذشت توأم است که به اصطلاح به آن دیدگاه انبساطی گفته می‌شود و گاهی اوقات کشورهای پناهنده‌پذیر همچنان شرایط سختی را برای پذیرش در نظر می‌گیرند که پناهنده اساساً از پناهندگی منصرف می‌شود. مطلبی که در مورد درخواست پناهندگی شنیدنی است آن است که با گذشت بیش از شش دهه از تصویب عهدنامه ۱۹۵۱ پناهندگی هنوز هم بسیاری از کشورها رفتار خود را با پناهنده و درخواست پناهندگی با اصول و موازین

انسان دوستانه هماهنگ نکرده‌اند و به جای پذیرش پناهندگان سعی در ممانعت از ورود آنها به کشور و استرداد آنها به کشوری که از آن گریخته‌اند را دارند. این گونه کشورها که در دنیا کم هم نیستند، همان رفتاری را با پناهندگان دارند که با یک متهم به تروریسم اعمال می‌شود و فراموش می‌کنند که امنیت انسانی و جانی و آزادی آنها در معرض خطر است و اگر از کشوری که از آن گریخته‌اند دارای شرایط متعارف زندگی بود اساساً از آنجا فرار نمی‌کردند. دیدگاه انقلابی هنوز نتوانسته با دلیل پناهندگی که ترس از آزار و تعقیب است، به دلایل مختلف تعامل داشته باشد و کنار بیاید. به همین جهت در بسیاری از مواقع از سازمان‌های بین‌المللی نظیر کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان درخواست کمک، نظارت و مراقبت می‌نمایند و تلاش می‌کنند با هر توجیهی که شده پناهندگان را اخراج و یا مرزهای خود را به روی آنها ببندند. این تصور وجود دارد که هنوز بسیاری از کشورها با حقیقت ضرورت‌های پناهندگی آشنا نیستند و یا نمی‌خواهند به دلایل سیاسی یا مالی به پناهندگان اسکان و پناه دهند. با وجود چنین تفکری است که چون اعتقادی به موازین حقوق بشر ندارند، خود را از ارائه راه حل عاقلانه و توأم با انصاف در زمینه پناهندگان معاف می‌نمایند. (موسی‌زاده و کهریزی، ۱۳۹۶: ۲۱)

در عین حال به نظر می‌رسد که به دلیل فقدان هماهنگی‌های لازم بین سازمان‌های مهاجرتی و مخالفت‌های محلی و بومی کشور پناه دهنده، پناهندگی آن چنان که باید باشد مورد احترام نیست و این گونه کشورها هنوز نتوانسته‌اند به خود بقبولانند که به پناهنده همان حقوقی را باید اعطاء نمایند که به شهروندان و اتباع خود اختصاص داده‌اند. البته نهادهای حاکمیتی با شهروندان خود روابط مبتنی بر حقوق عمومی را برقرار می‌کنند که برای هر دو طرف واجد حق و تکلیف می‌باشد. حکومت از شهروندان خود در مقابل خطرات حمایت می‌کند، زمینه‌های توسعه پایدار و عدالت توزیعی را فراهم می‌آورد و شهروندان مکلفند مطیع قوانین و حاکم باشند و با انجام خدمت وظیفه زیر پرچم و پرداخت مالیات علاقه خود را به حاکم نشان دهند. در حالی که تصور می‌شود پناهندگان در صورت پذیرش این تعهدات را نخواهند پذیرفت. بدین ترتیب از نظر اینگونه کشورها همان بهتر که اساساً و تا حد امکان پناهندگان کمی پذیرفته شوند. (کدخدایی، ۱۳۸۲: ۲۶۳)

دیدگاه‌های انبساطی راجع به پناهندگان

مبنای پذیرش دیدگاه‌ها انبساطی راجع به پناهندگان توجه به نظامات و مقررات حقوق بشر می‌باشد. بدین ترتیب که با اینکه یک پناهنده بدون اخذ مجوز وارد کشوری شده، این حق را به کشور پناه دهنده نمی‌دهد که با او رفتار غیرانسانی و ظالمانه داشته باشد. بدین ترتیب کشورهایی که مطابق موازین حقوق بشر از پناهندگان حمایت می‌کنند، به نوعی به پروسه دهکده جهانی و شهروند جهانی معتقدند. از دیدگاه آنها مرزهای سیاسی با مرزهای انسانی متمایزند و حقوق بشر این اجازه را نمی‌دهد که در مورد حقوق پناهندگان بی‌تفاوتی معمول گردد. بدین ترتیب این کشورها ترجیح می‌دهند راجع به پناهندگان با سعه صدر حقوق زیر را تقدیم پناهندگان نمایند:

- ۱- حق حیات ۲- حق آزادی ۳- حق داشتن امنیت اجتماعی ۴- حق داشتن شغل مناسب
- ۵- حق ازدواج ۶- حق سفر و جابه‌جایی. (کازرونی، ۱۳۹۴: ۹۲ و ۹۱) ۷- حق داشتن اموال منقول
- ۸- حق داشتن اموال غیرمنقول ۹- حق داشتن بیمه تأمین اجتماعی و نظیر بازنشستگی ۱۰-
- حق دسترسی به خدمات درمانی ۱۱- حق رای دادن ۱۲- حق اسکان در یک مکان متعارف ۱۳-
- حق داشتن تشکلهای صنفی ۱۴- حق مراجعه به محاکم قضایی به عنوان خواهان ۱۵- حق
- مراجعه به محاکم قضایی به عنوان شاکی ۱۶- حق داشتن اسناد و مدارک هویت ۱۷- حق
- داشتن اسناد مالکیت خودرو ۱۸- حق داشتن اسناد مالکیت مسکن

مواردی از این دست، سال‌ها قبل در محاکم اروپایی حقوق بشر و در طول آراء قضایی مورد حمایت قرار گرفت، مطابق این استانداردها با سیاستگذاری‌های نظارتی راجع به مهاجرت که شامل آوارگان، پناهندگان، پناهجویان، مهاجران چه قانونی و چه غیرقانونی سیاست‌های حمایت از پناهندگان را در بهترین حالت خود به رسمیت شناخته است و این موضع رسمی اتحادیه اروپا شناخته شد. (شهبازی و چهل امیرانی، ۱۳۹۵: ۱۶۹ و ۱۷۰) از نظر سیاست‌های انبساطی که اتحادیه اروپا به آن وفادار است، حمایت از پناهندگان هیچ فرقی با حمایت اقتصادی از منافع این اتحادیه ندارد. به عبارت دیگر از نظر کشورهای اروپایی پناهندگان یک فرصت هستند نه یک تهدید و درخور یک رفتار شایسته انسانی هستند. بدیهی است عقلانیت و انصاف و عدالت اقتضاء می‌کند که در مورد پناهندگان رفتاری در پیش گرفته شود که ضمن جلب همکاری پناهندگان بتوان کارایی آنها را افزایش داد. (مارتی، ۱۳۷۶: ۱۹۹)

به نظر می‌رسد که با عنایت به دیدگاه‌های انبساطی می‌توان به بسیاری از مشکلات پناهندگان پایان داد. چرا که آنها شهروندان بدون سرزمین هستند، انسان‌های بدون تابعیتند، مردمانی دردمند و نیازمندند که از حمایت‌های دولت خود برخوردار نیستند و با یک حرکت قهقرایی از حقوق متصور خود محروم شده‌اند، در حالی که هیچ قانونی در دنیا اجازه نمی‌دهد که این حقوق از آنها سلب گردد و به گونه‌ای آواره و ناامید در دهکده جهانی گذر عمر نمایند، در حالی که می‌شود وضعیت پناهندگان را به سادگی بهبود بخشید.

تدابیر حمایت‌گرانه کشورهای اروپایی در قالب اتحادیه اروپا

در سال‌های ۱۹۸۰ میلادی سیر مهاجران به سوی کشورهای اروپایی و آمریکایی چند برابر شد، زیرا تنش‌های بین‌المللی به شدت افزایش یافته بود و دولت‌ها واقعاً نمی‌دانستند در مقابل حجم عظیم گردشگران چه باید کرد. به همین جهت موافقتنامه شنگن در سال ۱۹۸۵ و موافقتنامه دوبلین در سال ۱۹۹۰ به تصویب رسید. (در فراز بعدی به موافقتنامه شنگن خواهیم پرداخت). اما موافقتنامه دوبلین را توضیح می‌دهیم. به این شرح که برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مقرر شد ضوابط اعطای پناهندگی از سوی این کشورها تعیین و به اتحادیه اروپا اعلام شود. به عبارت دیگر مقرر شد اتحادیه اروپا ساز و کار جامع و مشترکی برای همه کشور-های عضو اتحادیه اروپا تدوین نماید. هدف عمده این کنوانسیون یا موافقتنامه دوبلین که بعدها به دوبلین دو مشهور شد آن بود که اجازه دهند اشخاص به هر کشوری در اتحادیه اروپا نقل مکان نمایند و از همه پناهجویان برای رونق تجارت و بازار اروپا استفاده شود. سند مزبور برنامه‌ای طراحی کرد تا مانع از ارائه درخواست یک پناهنده به چندین کشور شود. در عین حال مقرر شد قوانین مهاجرت و پناهندگی نسبت به آینده اندکی سختگیرانه شود تا پناهجویان آخرین مقصد خود را اروپا تشخیص ندهند. نکته بارز این موافقتنامه این است که محافظت از جان پناهجویان به اولین اولویت این تصمیمات تبدیل شد و مقرر گردید رویه پناهندگی در اروپا منسجم و یکنواخت باشد. (کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۸۵ تا ۱۸۳)

نکته بارز تلاش‌های اروپا برای ایجاد یکنواختی در مقررات راجع به پناهندگی توجه به وحدت کانون خانواده برای اشخاصی بود که عضو یک خانواده بودند و برای تسهیل در کسب پناهندگی درخواست‌های متعددی را از کشورهای مختلف اروپایی داده بودند، گفته شد که

باید شرایط این نوع پناهجویان بررسی شود تا از سرگردانی و بلا تکلیفی نجات پیدا کنند و در اعطای پناهندگی یا رسیدگی به شرایط پناهندگی موارد زیر لحاظ شود:

- ۱- عضویت در یک خانواده
 - ۲- پناهجو شناخته شدن
 - ۳- داشتن کودک در بین خانواده
 - ۴- وجود زن در خانواده پناهجو
 - ۵- فقدان سوء سابقه کیفری
 - ۶- توجه جدی به نوع درخواست پناهندگی اعم از ورود
 - ۷- توجه جدی به نوع درخواست پناهندگی اعم از اقامت
 - ۸- توجه جدی به نوع درخواست پناهندگی اعم از عبور
 - ۹- توجه جدی به نوع درخواست پناهندگی اعم از خروج
- همچنین مقرر شد دولت‌های عضو اتحادیه اروپا این صلاحیت را دارند که خودشان به درخواست پناهندگی شخص با لحاظ شرایط زیر و بدون ارجاع به اتحادیه اروپا رسیدگی کنند:
- ۱- سن پناهجو ۲- جنسیت پناهجو ۳- تجرد یا تعهد پناهجو ۴- شغل سابق پناهجو ۵- کشوری که از آنجا گریخته است ۶- مدارک استنادی پناهجو ۷- دلایل پناهجو برای درخواست پناهندگی ۸- تابعیت پناهجو
- با این حال حتی اگر دولتی خود صالح به رسیدگی به درخواست پناهندگی باشد، نباید تصمیمات متخذه با سیاست‌های اتحادیه اروپا در تعارض صریح باشد. (شهبازی و چهل امیرانی، ۱۳۹۵: ۱۵۵) همچنین اسناد زیر به عنوان الگوهای رسیدگی به درخواست و اعطای پناهندگی باید لحاظ شود:

- ۱- استانداردهای بین‌المللی اعطای پناهندگی
- ۲- رهنمودهای کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان
- ۳- قاعده‌سازی مناسب برای و به نفع پناهندگان
- ۴- اعطای تضمین‌های ضروری و حقوقی برای حمایت از پناهندگان
- ۵- توجه به موازین حقوق بشر پناهندگان
- ۶- توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر راجع به پناهندگان
- ۷- توجه به اسناد منطقه‌ای حقوق بشر راجع به پناهندگان

- ۸- توجه به آرمان‌های اروپایی حقوق بشر راجع به پناهندگان
۹- هماهنگ‌سازی ساز و کارها با نهادهای بین‌المللی بشر (لی اچ و همکاران، ۱۳۸۶:

(۱۶)

به نظر می‌رسد نگرش حمایت‌گرانه کشورهای اروپایی در حمایت از پناهندگان جلوگیری از بی‌تابیتی است. همچنین تهیه ساز و کاری که بتواند جلوی تبعیض در اعطای تابعیت یا حتی پناهندگی را بگیرد، ضمن اینکه حقوق و آزادی‌های اساسی پناهنده نیز لحاظ شود و همکاری قابل قبولی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه اعطای پناهندگی یا رسیدگی به درخواست پناهندگی به وجود آید. (کنوانسیون اروپایی تابعیت (مورخ ششم نوامبر ۱۹۹۷) مجله حقوقی، ۱۳۷۷: ۳۲۸ و ۳۲۷)

نتیجه‌گیری

از آن زمان که تاریخ به یاد دارد، بشر در خصومت و جنگ با هم بوده و بسیاری از قدرتها راه حل همه مشکلات و اختلافات را در لشکرکشی و حمله به طرف مقابل خلاصه کرده‌اند. اما بعد از وقوع جنگ‌ها تعداد زیاد کشته‌ها و مجروحین و شهرها و آبادی‌های ویران شده و کینه‌هایی که برطرف کردن آن هزاران سال طول می‌کشد، بشریت به این نتیجه رسید که باید اختلافات خود را از طریق مسالمت‌آمیز از مسیرهای چون سازش، میانجی‌گری، مذاکره، پایمردی، مساعی جمیله، داوری و رسیدگی کیفری حل و فصل نماید که حتی در چنین شرایطی نیز آنچه که بیش از همه مشاهده می‌شود مردمی است که عزیزان خود را از دست داده یا راه سفر و فرار از مسکن و مأوا را در پیش گرفته‌اند. در قالب مهاجر، آواره، پناهجو و پناهنده ظاهر شده‌اند، بدون کوچکترین حمایت رسمی فاقد اسکان، غذای کافی و آرامش لازمه زندگی. کنوانسیون وضعیت پناهندگان در سال ۱۹۵۱ به حمایت از این افراد پرداخت و اعلام کرد که پناهنده از نظر این کنوانسیون به شخصی اطلاق می‌شود که به علت ترس و آزار و اذیت خود و خانواده‌اش که به دلیل تمایزات نژادی، مذهبی، قومیتی، دینی، زبانی یا عضویت در گروه خاص یا داشتن تفکر سیاسی ویژه، اقدام اقامت در کشور خود را ندارد و به کشور دیگری پناه برده است، گفته شد که پناهندگان اشخاصی هستند که از حقوق اولیه خود محروم شده‌اند که شامل ترس از صدمه به حق حیات، حق سفر یا جا به جایی، حق اشتغال، حق ازدواج، حق داشتن تشکلهای صنفی، حق رأی دادن، حق انتخاب شدن، حق تحصیل،

حق بر مسکن، حق بر آرامش خاطر و حق توسعه پایدار می‌شود. با این حال در جامعه جدید زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کنند و چون رابطه تابعیت را از دست داده، بنابراین فی‌الواقع از حمایت هیچ دولتی برخوردار نیست و به همین جهت با نگرانی و ترس از آینده به زندگی ادامه می‌دهد. بعد از گسترش تروریسم که به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر بود، موج جدیدی از نفرت بسیاری از نقاط جهان را در بر گرفت که در رأس آنها نیروهای تروریستی تکفیری داعش اظهار وجود کردند و ترس و وحشتی که آنها ایجاد کردند، موجب آوارگی و نگرانی بسیاری از مردم در همه جهان و به ویژه در خاورمیانه و آسیا گردید. مخصوصاً که بحران‌های موجود در برخی از کشورهای اسلامی روند افزایش پناهندگان را تسریع کرد، که به دلیل نزدیکی آسیا به اروپا نزدیکترین سرزمین‌های امن قاره اروپا شناخته شد که برخی از کشورهای اروپایی این پناهندگان را پذیرفته و اسکان داده و برخی دیگر آنها را اخراج کردند. به طور کلی بعد از تشکیل ساز و کارهای اروپایی نظیر شورای اروپا و اتحادیه اروپا تصمیم گرفته شد که با امضاء معاهداتی سیاست‌های مشترکی را در پیش بگیرند. در همه مسائل اعم از سیاست خارجی، سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های خرد و کلان و سیاست‌گذاری مهاجرتی. تا یک دهه پیش پناهندگان به آرامی در اروپا پذیرفته شده و اسکان می‌یافتند. اما اکنون این روند تا حد زیادی متوقف شده است. حوادث اخیر تروریستی در شهرهای اروپا به ویژه از مارس ۲۰۱۷ به بعد ثابت کرد که از هر زاویه‌ای نگاه کنیم، اروپا محتاج تغییر سیاست‌های مهاجرتی خود است. به ویژه که بیگانه‌ستیزی و جنبش‌های نژادپرستانه و گروه‌های ذی‌نفوذ و احزاب رادیکال از هر فرصتی برای اخراج پناهندگان بهره می‌گیرند.

اصولاً موضع‌گیری اتحادیه اروپا در مورد پناهندگان خارجی با دوگانگی قابل وصفی مواجه است. به عبارت دیگر، سیاست‌های اخیر اروپا در عمل از رویه افراط و تفریط یا سیاست‌های انقباضی یا انبساطی پیروی می‌کند. هر زمان که وضعیت اقتصادی رو به راه و مرتب است و رونق اقتصادی مشاهده می‌شود، از سیاست‌های درهای باز استفاده می‌شود و مهاجرین و پناهندگان به شهروندان درجه ۲ تبدیل می‌شوند و هر زمان که خطری از سوی تروریست‌ها مشاهده می‌شود یا وضعیت اقتصادی و بحران‌های مالی به وقوع می‌پیوندد از سیاست پنجه آهنین یا مشت آهنین استفاده می‌گردد و خارجی‌ها و پناهندگان به فوریت یا اخراج می‌شوند یا تحویل کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان می‌گردند. اما در نهایت برای بهبود شرایط پناهندگان در اروپا می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود که عبارتند از:

- ۱- کنترل دقیق مرزهای بین‌المللی
 - ۲- نظارت دقیق بر اسناد هویت
 - ۳- اولویت خانواده‌های پناهجویان در لیست پذیرش
 - ۴- استفاده از ساز و کارهای پلیس برای شناسایی مجرمان از پناهجویان و پناهندگان
 - ۵- تبادل اطلاعات متنوع مهاجرتی از سوی همه کشورها
 - ۶- ارتباط با سازمان ملل متحد و ارکان آن
 - ۷- ارتباط با کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان
 - ۸- کمک از مشورت‌های شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد
 - ۹- آموزش شهروندان داخلی برای پذیرش پناهجویان و پناهندگان
 - ۱۰- صدور اسناد هویتی جدید برای تسهیل در امور
 - ۱۱- ایجاد شرایط اشتغال متعارف برای پناهجویان و پناهندگان
 - ۱۲- ایجاد شرایط اسکان متعارف برای پناهجویان و پناهندگان
 - ۱۳- تصویب قوانین متعادل و متوازن برای جلوگیری از بی‌نظمی برای پناهندگان
 - ۱۴- کنترل مستمر اقامتگاه‌های پناهجویان و پناهندگان
 - ۱۵- تفکیک پناهندگان قانونی از پناهجویان قاچاقی
 - ۱۶- اتخاذ یک سیاست متعارف مهاجرتی برای جلوگیری از افراط و تفریط
- به نظر می‌رسد که با اعمال این تدابیر بتوان فضای مساعدی را برای اسکان و کمک به پناهجویان و پناهندگان در اروپا تدارک دید و به اشک‌های سرازیر شده پناهجویان و پناهندگان نگران خاتمه داد. این وظیفه انسانی همه ملت‌ها و دولت‌هاست و بی‌تفاوتی نسبت به پناهندگان غیر قابل اغماض است. این همان افق درخشانی است که اروپا باید برای مشاهده آن چشمانش را بگشاید.

منابع فارسی:

کتاب

- آرامش شهبازی، امیر چهل امیرانی (۱۳۹۵)، حمایت از مهاجران غیرقانونی در حقوق بین‌الملل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، تهران
- ابراهیم موسی‌زاده، رزیتا کهریزی (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین‌الملل، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران
- حسن موثقی، نوید احمدپور قره‌درویش (۱۳۹۳)، جایگاه آفریقا در هزاره سوم، انتشارات فروزش، چاپ اول، تبریز
- کازرونی، سید مصطفی (۱۳۹۴)، پناهندگی در حقوق بین‌الملل، مؤسسه فرهنگی هنری انتشاراتی نگاه بین، چاپ اول، تهران
- کیهانلو، فاطمه (۱۳۹۰)، پناهندگی نظریه‌ها و رویه‌ها، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، تهران
- نصیری، محمد (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، (کلیات، تابعیت، اقامتگاه)، (وضع اتباع بیگانه و تعارض قوانین و دادگاه‌ها)، مؤسسه نشر آگه، جلد اول و دوم، چاپ چهاردهم، تهران
- نظری تاج‌آبادی، حمید (۱۳۶۹)، بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران

مقالات

- قاسمی شوب، احمدعلی (۱۳۸۳)، نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین‌الملل با تأکید بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره سی و یکم
- کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۲)، قانون اساسی اتحادیه اروپایی، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و نهم، پاییز
- کنوانسیون اروپایی تابعیت (۱۳۷۷)، (مورخ ششم نوامبر ۱۹۹۷، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و دوم، بهار و تابستان
- مارتی، می‌ری دلماس (۱۳۷۶)، به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی، ترجمه علی حسین

نجفی ابرند آبادی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و یکم

- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۴)، سازمان‌های بین‌المللی، نشر میزان، چاپ ششم، تهران، زمستان

English resources

Articles

- Alte Grahl, Madsen, Refugees,(1983), **United Nations high commissioner**, Encyclopedia of public international law, vol. 5,
- Jahn Eberhard,(1983), **International Refugee Organisation**, Encyclopedia of public international law, vol. 5
- Karl Josef Partsch, (1985),**Human Rights and Humanitarian law**, Encyclopedia of public international law, vol. 8

